

شیطان پرستی!

آموزش گام به گام

زیر

۴۳

ش ۱۳۳

اشاره:

پلورالیزم را شاید شنیده باشید. بیخشد جسارت شد. حتما شنیده‌اید. ولی برای امثال خودم که نشنیده‌اند عرض می‌کنم آیا معنای آن را هم می‌دانی؟

خودت را برای تجزیه و ترکیب کلمات خسته نکن. هیچ ربطی به «پلو» و «رالی» یا پلوخوری در مسابقات رالی یا هر چیز دیگری در این مایه‌ها نیست. اما شاید بی ارتباط با خوراک نباشد. این کلمه، یک برنامه غذایی یا بهتر بگویم یک رژیم غذایی برای لاغری اندام دین و اعتقادات است. البته مواظب باشید با «آب کردن چربی اضافه اشتباه نشود. این رژیم ماهیچه‌آب‌کن است. خودمانیش یا خودمانی‌اش می‌شود: نظر هر کس برای خودش محترم است با یک سس تند «تو هم امتحان کن شاید خوشتر آمد». این برنامه غذایی در بسته‌بندی‌های مختلف و برای سلیقه‌های مختلف تزیین می‌شود تا بنده و جنابعالی و جنابعالیان دیگر خوش‌شان بیاید و از آن لذت ببرند.

یکی از مراکز تهیه و پخش این نوع غذا «رستوران چندصدمنظوره‌ای یهود و برادران» است که خودشان با اسم کوچک «هالیوود» صدایش می‌کنند. اما چون خیلی خودمانی صحبت کردیم، از اینجای برنامه را کمی جدی دنبال بفرمایید.

...امروزه محصولات غربی در قالب فیلم و سریال، اعتقادات مذهبی اقشار مختلف را نشانه می‌گیرند.

تقریباً از ابتدای هزاره سوم میلادی، هالیوود دست به ساخت آثاری می‌زند که نوجوانان و کودکان را تحت تأثیر اندیشه‌های ضددینی خود قرار دهد. به عنوان مثال هری پاتر، هزار توی پن، قطب نمای طلایی، مجموعه ارباب حلقه‌ها و... تأثیرات مخربی بر فکر و ذهن جوانان و نوجوانان می‌گذارند.

امروز تقریباً همان گروه که پیش از این با کلماتی نظیر معناگرا این دست آثار را در برنامه سینما یک به نمایش درمی‌آوردند، همین رویه خطا را در برنامه سینما چهار نیز تکرار می‌کنند.

به عنوان نمونه این برنامه در تاریخ پنجم آذر دست به پخش فیلمی زد که از قضا از مجموعه آثار استراتژیک محسوب می‌شود و اتفاقاً در ترویج پلورالیزم دینی اثری کوشا به حساب می‌آید.

فیلم اسکلیگ به کارگردانی «آنابل جانکل» در زمره آثار استراتژیک رده سنی کودکان قرار می‌گیرد.

پخش آثاری از این دست با فیلتر نقد و بررسی، شاید خوراک خوبی برای مخاطب آگاه بزرگسال باشد. اما برای اقشار سنی پایین‌تر کاملاً مخرب و خطرناک است.

فلسفه وجودی فیلم‌های این چنینی این است که توحید را به صورتی بنیادین به چالش بکشند. فلسفه‌ای که نوع دیگری از آن را پیش از این نیچه با عنوان مرگ خداوند اعلام کرده بود.

فیلم «اسکلیگ» فیلمی است که داستانش پس از شکست لوسیفر آغاز می‌شود. جایی که شیطان در گوشه‌ای از این دنیا در کلبه‌ای کثیف و دور افتاده، سکنی گزیده تا منفذی دوباره برای احیای شدن بیابد.

ارتباط مایکل (نوجوان و قهرمان فیلم) با لوسیفر به شکلی ماورایی در دنباله همان کدگشایی، نوعی تکرار کلیشه‌هاست و پسرپچه انگلوساکسونی را در ذهن متبادر می‌کند که در احیای دوباره شیطان سهم بسزایی دارد.

در بسیاری از صحنه‌های مهم فیلم، مایکل که از پرواز و اوج گرفتن می‌ترسد، با فرشته‌ای که نمادی از شیطان است اوج می‌گیرد. او نیز در مقابل، شیطان را مورد لطف خویش قرار می‌دهد و تا مرحله احیای دوباره لوسیفر، شیطان را همراهی می‌کند و در مقابل این الطافی که مایکل نسبت به لوسیفر دارد، شیطان نیز بعد الهی به خود می‌گیرد. لوسیفر نیز خواهر تازه به دنیا آمده مایکل را که بیمار است شفا داده و این بده بستان شیطانی در واقع ارتباط میان لوسیفر (با نام تازه اسکلیگ) - از منظری استراتژیک - نوعی تقدیس‌گرایی شیطان پرستی به حساب می‌آید.

برای اثبات این موضوع، اگر فیلم را به درستی مرور کنید متوجه خواهید شد که نیاز به پروردگار و کمک جستن از او به صورت عرف هزاران ساله بشری و دعا کردن در امر بهبود دختر تازه متولد شده، در هیچ جای قصه فیلم دیده نمی‌شود. پدر مایکل نیز به جای پناه بردن به معبود، در دوره‌ای که امور دنیوی زندگی سخت گرفتارش کرده است، پناه به الکل می‌برد.

در واقع این شیطان است که در نقش ایزدستان در این فیلم ظاهر می‌شود و تنها از طریق او امور دنیوی اصلاح می‌شود. اسطوره کیهان‌زایی که هیچ ارتباطی با عالم بالا ندارد و رتق و فتق امور دنیوی فقط از مجاری آن‌ها صورت می‌پذیرد و این تقدسی که به اسکلیگ داده می‌شود، نوعی ستایش لوسیفر است.

در این فیلم، تلقین باورهای شیطانی و احیای لوسیفر از راه‌هایی همچون سینما با نگاهی سکولاریزه به امر ماورا صورت می‌پذیرد.

یقیناً پخش آثاری این چنینی که کاملاً استراتژیک هستند، لطامات مهمی به پیکره مذهبی جامعه خواهد زد و نکته تأمل برانگیز این است که این فیلم بدون هیچ نقد و تحلیل درستی از برنامه سینما چهار پخش شد و نقد برنامه نیز هیچ اشاره‌ای به لایه‌های مخرب این فیلم نداشت.

مگر جناب شیطان حق زندگی ندارد. او هم نظری دارد و نظرش برای خودش محترم است. حالا یک کمی یا خیلی چه فرقی می‌کند! شیطان صدایش را جلوی خدا بلند کرده و الدرم بلدرم بازی درآورده. براساس برنامه غذایی که معرفی شد، نظرش برای خودش محترم است. شیطان هم دلش می‌خواهد خدا باشد!

برگرفته از پایگاه رجا نیوز

